



## Orchestre ارکستر

مردی ارکستر ندیده و نشنیده در کنسرتی وارد شد بعد از اینکه ارکستر تکه را نواخت تعجب کنان از نفر پهلویی خود پرسید که چرا اینها همه با هم مینوازند و سرو صدا کرده هیچ چیز فهمیده نمیشود؟

اشخاصی هستند که هنوز ارکستر را طوری که باید شناخته‌اند و گوش ایشان نمیتواند صدا های گوناگون را بخوبی تشخیص بدهد زیرا آنها اغلب بکنفر نوازنده را شنیده‌اند که بایک ساز ملدی هائی که بگوش ایشان شیرین میاید نواخته است برای چند دقیقه منظره از طبیعت را در نظر داشته باشیم مثلاً در باغی که بلبل خوشنواز بر درختی خوانده با صدای دلپذیر خود تمام اطراف را بیدار میکند از طرف دیگر آب از جوی های باریک عبور کرده با صدای خود آهنگ بلبل را همراهی میکند و نسیم کوئی از خوشی آواز بلبل برک های درختان را نوازش کرده با صدای خود آواز بلبل را زنده تر میکند در چنین لحظه اگر شخصی که هنوز ارکستر نشنیده و از آن چیزی نمیفهمد در باغ باشد جز آواز بلبل صدای دیگری بگوش او نرسیده و لذتی که خواهد برد جز آن آواز چیز دیگری نیست ولی اگر کسی که عادت شنیدن و درک کردن صدا های گوناگون طبیعت را در یک لحظه دارد از آن هم نوازی روحش باهتر از در

آمده و اثر عمیقی در دل او جایگیر میشود.

این آواز و صداهای گوناگون باغ را هم‌نوازی یا ارکستر نامند که شنیدنش همه وقت میسر نمیباشد ارکستر مصنوعی اگر نوازندگان زبر دست داشته باشد مناظر طبیعت را مثلاً صدای جنگل و یا طوفان لرزان و یا خوشحالی مردم یا گریه وزاری را بطور طبیعی جلوی چشم ما مجسم میسازد پس ارکستر نمودار صداهای گوناگون طبیعت است که بقشنگی تمام و معانی کامل در يك جای بسته برای انسان نشان داده میشود ارکستر (orchestre) لغت یونانی آن (orkhestra) است یعنی رقصیدن. در زمان قدیم در یونان جای معینی برای رقصیدن در تاتر بین سن و مردم بود آنجا را (orkhestra) مینامیدند این عده که میرقصیدند گاهی آواز جمعی (chœur) نیز میخواندند در آنموقع اشخاصی که در چنین جای تاتر آواز میخواندند و یا موسیقی مینواختند آنها را ارکستر میگفتند و کم کم این لغت چنان عمومیت پیدا کرد که بعداً هر عده هم‌نواز را ارکستر مینامیدند.



سر چشمه ارکستر از درامهای با آواز (drame chanté) که از سال ۱۶۰۰ در ایتالیا متداول گشت شروع میشود تمام مدت ترقیات ارکستر و ابزار گری تقریباً ۱۶۰ سال میشود پنداشت و این مدت بدو دوره مهم تقسیم میشود:

دوره اول از درامهای با آواز در فلورانس (Florence) و روم و نیز (Venise) شروع و همینطور در اولین اپراها در فرانسه که کمپزیتورهای معروف آنها پری (Peri) و مونتوردی (Monteverdi) و لوئیجی روسی (Luigi Rossi) و کارسیممی (Carissimi) و کاوالی (Cavalli) و لولی (Lulli) و غیره بودند ادامه داشت در آنزمان ارکستر فقط برای ا کوپانیمان کردن آوازهای سولو (تنها) و آوازهای جمعی (chœur) و نواختن اوورتور (Ouverture)



و بالت ( Ballet ) و آهنگهای رقص ( airs ) استعمال میشد.  
دوره دوم از ۱۷۰۰ که تشکیل ( Ecole napolitaine ) بتوسط  
آلساندرو و سکارلانی ( Alessandro Scarlatti ) و پیروان او بود شروع میشود  
و بعد دو کمپزیتور معروف هندل ( Haendel ) و باخ در باره ارکستر زیاد میکوشند  
هایدن ( Haydn ) بنیاد گذار ارکستر سیمفونی محسوب میشود برای این  
که نخستین کسی بود که تمام ابزار هائی که در ارکستر های امروزه استعمال میشود  
در سیمفونی های خود نوشته مردم از آنموقع کم کم میل بشنیدن ارکستر سیمفونی داشته  
و همینطور ارکستر رفته رفته اهمیت پیدا میکرد تا سیمفونی های بتهوون و وبر  
( Weber ) که از آن ببعد موسیقی رومانতিক ( Romantique ) شروع میشود  
دوره سوم ارکستر بعد از بتهوون یعنی از پیدایش موسیقی رومانতিক شروع میشود  
تا عهد جدید که معروفتر آنها وبر و مندلسون ( Mendelssohn ) و میر بر  
( Meyerbeer ) و برلیوز ( Berlioz ) و روسینی ( Rossini ) و پوچینی  
( Puccini ) و واگنر و سزار فرانک ( Cesar Franck ) و دبوسی و غیره اند

### تشکیلات ارکستر

ارکستر از چهار دسته ابزار تشکیل میشود .

۱ - ابزار های زهی ( cordes ) و مطالعات فزونی

۲ - ابزار های چوبی ( bois )

۳ - ابزار های فلزی ( cuivres )

۴ - ابزار های کوبی ( percussion )

۱ - ابزارهای زهی تشکیل میشوند از ویولون - آلتو - ویونسل - کنترباس

( ابزار هائی نیز هستند چون بول دامور و ماندولین و گیتار و غیره که در ارکسترهای

سیمفونی چندان استعمال ندارند ) ویولون در ارکستر بدو دسته تقسیم میشود - ۱ - ویولون

اول - ۲ - ویولون دوم اینها از حیث ابزارها باهم فرق ندارند ولی هر يك دسته در ارکستر

پارتیسیون مخصوصی را مینوازند با ویولون تمام گذرهای مشکل را میشود نواخت صدای

قشنگی دارد و پیزیکانوی آن مورد استعمال است ولی فلاژوله آن در ارکستر استعمال نمیشود.

آلتو از حیث شکل مثل ویولون است ولی کمی از آن بزرگتر و صدای آن يك پنجم درست بمتر از ویولون است.

ویولنسل دارای زنگ (طنین) شیرین است و بزرگتر از آلتو میباشد نوازنده مینشیند و آنرا در بین دو پای خود قرار میدهد صدای آن يك اکتا و بمتر از آلتو است کمتر باس بزرگترین ابزار است از دسته زهی و نوازنده در حال ایستاده آنرا روی دم کوچککی که در زیر آن پیوند است پهلوی خود قرار میدهد.

ابزارهای زهی بمنهایی يك ارکستر کوچککی هستند و میتوانند مستقلًا يك تکه ارکستری را بنوازند از اینجهت اهمیت این ابزارها بیشتر از همه است.

۲ - ابزار های چوبی بقرار زیر اند.

فلوت - هوبوا - کرانگلیسی - فاکوت - کنتر فاکوت - قره نی - قره نی باس - (بعلاوه اینها فلوت کوچک و هوبوای عشقی و فلاژوله و قره نی آلتو و قره نی

کوچک می بمل نیز هستند که خیلی کم در ارکسترهای سیمفونی استعمال دارند)

فلوت بلاتینی Fluta (بنام حیوانی است شبیه مار ماهی که هفت سوراخ در پشت دارد) و در قدیم این ابزار هفت سوراخ داشته که بعداً کم کم تبدیل و بشکل فلوت امروزی افتاده است صداهای زیل آن برای گوش زننده است.

هوبوا يك صدای شیرین دارد و اغلب ملدی های مخصوص مینوازد

کر انگلیسی ابزار است که در فرانسه اختراع شده و عقیده های مختلف راجع بآن هست کسانی میگویند که چون این ابزارها در قدیم مثل کر بودند وزیرشان زاویه مانند آنرا Cor Anlge گفته اند که بعداً باشتباه angle به anglais عوض شده ولی دیگران معتقد اند که anglais از لغت angel یعنی فرشته آمده است چه صدای کر شیرین است و در ارکستر اغلب جاهائی که فکر انسان از طبیعت بالاتر



رفته و بافرشته ها و پری ها سروکار دارد نواخته میشود و بعداً angel را باشتباه  
anglais گفته اند.

فاکوت یا باسون چون ابزار بزرگ است نمیشود آنرا از بالا دمید از اینجهت  
از وسط آن يك لوله باریکی خم شده که نوازنده قمیش ( anche ) را در سر آن  
میگذارد و میدمد فاکوت دارای تکنیک تند و لحن شیرین است.

کنتر فاکوت ابزار است مثل فاکوت ولی صدای آن بهتر از فاکوت است.  
قره نی از هر حیث بر تمام ابزار های چوبی برتری دارد و دارای تکنیک سریع  
و تن شیرین و قشنگ است و قریب سه اکتاو و نیم با آن میشود نواخت.

سه قسم قره نی هست :

قره نی اوت ( دو ) سی بمل ولا .

این اختلافات مخصوصاً در تکنیک بیشتر مؤثرند مثلاً تکه که در گام دو ماژور  
نوشته شده اگر با قره نی اوت بزنند شاید بگذر هائی برخوردارند که با قره نی سی بمل  
بهتر میشود نواخت آلبر لاونینیا ( Albert Lavignac ) تأییراتی برای هر يك  
نوشته است .

قره نی اوت - درخشان - مسرت بخش - خشن  
سی بمل - زنک ( طنین ) شیرین - گرم - درخشان و مخملی - نیرومند  
و عاشقانه .

قره نی لا - لطیف - حزن انگیز - مؤثر - غمگین .  
قره نی ابزار است که سنسال و گمان میرود که اصلش از همان نی های  
شرقی باشد .

قره نی باس تقریباً باندازه يك و نیم برابر قره نی معمولی است که زیرش  
بطرف بالا پیچ خورده .

۳ - ابزار های فلزی از تمام دسته های ابزار بیشترند ولی در ارکستر سیمفونی  
کلاسیک معمولاً چهارتای آن استعمال میشوند بدینقرار :

ترمیت - کر - ترمبون باس - توبا.  
( ترمیت باس و بوکل و ترمبون آلتو و ترمبون تنور و توبای کمتر باس  
و اوفیکلاید و سارو سوفون و ساکسوفونهای سوپرانو و آلتو و تنور و باس و جلیسون  
و غیره اغلب در یارتیسیمونها نوشته شده اند. و اکثر تکه های موسیقی دارد که برای  
درست نواختن آن کارخانه های ابزار سازی ابزارهای بخصوص ساخته اند )

دنباله دارد

